

تئوری اساس علم است، چنانکه پیش از این نیز این سخن را گفته‌ایم که بنیاد علم تئوری است و علم بدون تئوری قاعدتاً نه به پیش می‌رود و نه می‌تواند راه خود را به درستی به سرانجام رساند. اما تئوری چیست که در علم برای آن این چنین جایگاهی روا می‌دارند. مفهوم تئوری را به شیوه‌های متفاوت تبیین کرده‌اند و در این میان، آشکار است که رویکردها و بنیانهای اندیشه‌ای همیشه اساس کار هر گونه تعریف از این مفهوم بوده است. اگرچه تئوری نوعی اندیشه‌ورزی مجرد است، اما در چارچوب روابط علی موجود میان پدیده‌ها، روندها و رخدادها و با هدف درک بهتر و متفاوت از آنها برپا می‌شود. بدینسان، در همه تعاریف، نظاموار، یعنی متشکل از اجزاء و عناصر مرتبط، تجریدی و ابزار تبیین بودن آن مورد تاکید است. به سخن دیگر، تئوری نوعی تبیین منطقی و تعیین چگونگی روابط تاکنون ناشناخته پدیده‌ها، روندها و رخدادهاست، براین بنیاد، برخی ویژگیهای تئوری را می‌توان این چنین برشمرد:

- بیان روشن مبتنی بر اندیشه ناب و نو؛
- متکی بر آشکارسازی روابط علی و قانونمندیهای مرتبط منطقی برای دستیابی به یک نتیجه منطقی؛
- فراگیر و قابل تجربه بودن و از راه تجربه به آزمون درآمدن؛ و
- روشنگر آنچه که تاکنون دیگران نمی‌دانستند و کارساز در قضاوت علمی در باره امری معین.

تئوری ممکن است موید و مکمل تئوریهای پیشین باشد، یا تئوریهای پیشین را مردود اعلام دارد. از این رو، رد تئوریهای پیشین نیز مستلزم نوعی اندیشه ورزی ناب و تبیین قانونمند با ویژگیهای بالاست. اما تئوری هر چه باشد و به هر گونه تعریف شود، با گفتار پراکنده و بیان اطلاعاتی که بر بسیاری مکشوف است، تفاوت بنیادین دارد. براین اساس، اگر بیان جریان رخدادها یا ویژگیهای عام یک پدیده را تئوری بپنداریم، بویژه آنجا که دیگران پیش از آن، به درستی به تبیین آن روندها و ویژگیها پرداخته باشند، آشکار است که کاری بیهوده به انجام رسانده ایم.

عباس سعیدی